



عنوان تحقیق

کودک آزاری در حقوق کیفری ایران

چکیده

هدف از این مقاله گونه‌شناسی نقض حقوق کودکان ایران است که شامل جرائم علیه کودکان و مواردی است که در قوانین داخلی به عنوان جرم شناخته نشده اما مصداق پایمال سازی حقوق کودکان به شمار می‌آید است مانند نظام آموزشی و آزمون غیر دموکراتیک.

برای اثبات وجود آن بخش از گونه‌هایی که شامل جرائم علیه کودکان است مروری بر دو روزنامه کثیرالانتشار در دوره یکساله اخیر شده و فهرستی از اقدامات علیه کودکان استخراج شده‌اند تا با روش استقرایی به آرایه برخی از گونه‌ها پرداخته شود. معیار اصلی گونه‌شناسی ما، اقدامات شدید علیه کودکان بوده است و اقدامات خفیف که از نظر به شمار آمدن به عنوان کودک آزاری در فرهنگ‌های مختلف مورد اختلاف است لحاظ نشده‌اند. تأکید بر این بوده که آمار آرایه شده فقط از دو روزنامه است و شامل مطبوعات دیگر و نیز مراجعات و شکایات و گزارشات مراکز درمانی و آموزشی و انتظامی نمی‌گردد بنابراین آمار واقعی بسیار بیش از آن است که در مقاله آمده.

بخش دیگری از گونه‌های پایمال شد حقوق کودک نیز از طریق مشاهده و تجربه و تحلیل احصاء شده‌اند. و در نهایت ۹ گونه یا نوع شناخته شده که هر کدام می‌تواند معلول‌ها و فروع خاص خود را داشته باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول- تعاریف
۱	مفاهیم
۱	کودک آزاری
	فصل دوم-شناخت آزارهای جسمی و جنسی و آمار آن
۴	آزار جسمی
۵	آمار آزار جنسی.....
۶	رضایت فرد(کودک)در رابطه جنسی.....
	فصل سوم -ویژگیهای اصلی کودک آزاری جنسی وتفاوتها
۸	ویژگیهای اصلی کودک آزاری جنسی
۸	مشکلات اجتماعی و فرهنگی مربوط به طرح بحث کودک آزاری.....
۹	تفاوت سوءاستفاده جنسی از کودک با آزار جنسی او

فصل چهارم-مصادیق کودک آزاری

- ۱۰..... تجارت کودکان
- ۱۰..... ربایش کودکان
- ۱۱..... تکدی گری
- ۱۱..... کار کودکان
- ۱۳..... قاچاق کودکان
- ۱۴..... هرزه نگاری(پورنوگرافی)نسبت به کودکان

فصل پنجم-قوانین راجع به حقوق کودک وموانع روبرو

- ۱۶..... پیمان نامه جهانی حقوق کودک
- ۱۷..... قوانین حقوقی
- ۱۸..... چالش های قانونی کودک آزاری جنسی در ایران
- ۱۹..... خلاء قانونی و کیفری کودک آزاری در ایران
- ۲۰..... نتیجه گیری
- ۲۲..... منابع و ماخذ

مفهوم کودکی از منظر جامعه‌شناختی اساساً محصول دوران مدرنیسم است. پس از انقلاب صنعتی و رشد سرمایه‌داری با وجودیکه در متون بسیاری از فلاسفه اجتماعی، جامعه‌شناسان، نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی، به حقوق کودک توجه شده و از بهره‌کشی آنان سخن به میان آمده است،

ولیکن کودکی و کودکان بعنوان آنچه که امروزه بعنوان کانون توجه جامعه‌شناسان، روزنامه‌نگاران، فعالان اجتماعی، جنبش‌های فمینیستی و حقوق بشری قرار گرفته، امری نوپدید است. ویلیام کورسارو یکی از محققان جامعه‌شناسی کودکی، می‌نویسد: تا ۱۸ سال پیش جای مطالعات مربوط به کودکی و کودکان در جامعه‌شناسی خالی بود. اما اینک این موضوع بشدت مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان قرار گرفته است (کورسارو، ۲۰۰۵: ۵).

جین کورتروپ دیگر جامعه‌شناس کودکی معتقد است: کودکان به همان اندازه‌ای که مورد غفلت بوده‌اند، به حاشیه نیز رانده شده بودند. در واقع کودکان در نظریه و مفهوم پردازی‌های جامعه‌شناختی به دلیل موقعیت تابع و تحت سلطه همواره در حاشیه توجه بوده‌اند. بدین معنا که کودکان بعنوان بزرگسالان آینده‌ای نگریسته می‌شدند که می‌بایست نقشی را که بزرگسالان امروزمین می‌خواهند، ایفا نمایند و کمتر بعنوان آنچه که هستند مورد توجه قرار می‌گرفتند. درواقع نیازها و علایق کودکان همواره بعنوان علامت‌گذاری برای بزرگسالان و بعنوان مسئله اجتماعی تلقی می‌شد که می‌بایست چاره‌جویی شود (کورتروپ، ۱۹۹۳).

هدف تحقیق

هدف اصلی از این نوشتار، گونه شناسی تحلیلی و مقوله بندی زیان ها و اقداماتی است که علیه حقوق کودکان صورت می گیرد. برای تامین این هدف نویسنده کوشیده است پس از استقراء در مصادیق پایمال سازی حقوق کودکان یک طبقه بندی جامع و مانع را از آنها انتزاع کند. از این رو عنوان «گونه شناسی جرائم علیه کودکان» را که نخست برای مقاله برگزیده بودم تنها شامل بخشی از موضوع می گردید و مواردی که از حیث قانونی جرم شناخته نشده اند اما مصداق نقض یا پایمال سازی حقوق کودکان هستند (مانند مقوله نهم و دهم این مقاله درباره قوانین نامناسب و نظام آموزشی) از آن خارج می شد. بنابراین گونه شناسی انجام شده اعم از جرائم علیه کودکان است. هر یک از مقولات ذکر شده به تنهایی می توانند موضوع مقاله تفصیلی و مستقلی قرار گیرند اما از آنجا که هدف این رساله فقط گونه شناسی و طبقه بندی مصادیق اضرار علیه کودکان بوده است به عنوان هدف فرعی به توضیح کوتاه و یا ارقام و مستندات که حاکی از وجود این گونه ها در جامعه ایران باشد بسنده شده است.

فایده

گونه شناسی عمدتاً یک بحث بنیادی و فارغ از فروع و مسائل عدیده ای است که در این زمینه گفته می شود. در باب نقض حقوق کودکان تاکنون عمدتاً به مسائلی پرداخته شده که ناشی از خانواده و در درجه دوم بهره کشی از کودکان در محیط کار است ولی نقض حقوق کودکان توسط دولت و جامعه (به ویژه دولت) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی گونه ها معطوف به خانواده، برخی مربوط به دولت و برخی معطوف به جامعه و برخی ناشی از مجموعه آنهاست. تلاش برای دستیابی به طبقه بندی گونه ها نخست اینکه به تشخیص و دسته بندی علت و معلول بودن موارد نقض حقوق کودک و نظم تحلیلی بخشیدن به موضوع کمک می کند دوم اینکه نقش های جداگانه یا همبسته عوامل مختلف خانوادگی و دولتی و اجتماعی

را باز می نمایند. برای مثال اینکه آیا نقش نظام آموزشی در پایمال کردن حقوق کودکان را (که متولی این نظام، دولت است) جزو گونه‌های طبقه‌بندی شده به شمار آوریم یا خیر؟

روش تحقیق

روش اصلی، کتابخانه‌ای - اسنادی بوده و منابع زیر مورد مراجعه قرار گرفته‌اند:

الف: گزارشات مندرج در دو منبع مورد بررسی استخراج و داده‌های آنها بر مبنای مقوله‌بندی انجام شده تفکیک و در جدول‌های ششگانه‌ای که خواهد آمد تنظیم شده‌اند. شناسایی گونه‌های جرائم علیه کودکان و پایمال‌سازی حقوق آنان بر اساس آنچه در واقعیت رخ داده و در مطبوعات گزارش گردیده‌اند.

ب: همچنین برخی مقوله‌بندی‌ها بر اساس مباحث حقوقی ناشی از این حوادث و نیز تجربیات و مشاهدات نگارنده صورت گرفته‌اند.

ج: مقالات مطبوعات و فصلنامه‌ها

د: گزارش‌های تحقیقاتی از پژوهش‌های انجام شده توسط سازمان‌های دولتی و غیر دولتی

ه: کتابهای منتشر شده در زمینه مورد بحث

و: متون حقوقی

ز: اخبار سمینارها نیز مراجعه قرار گرفته‌اند

در بخش آماری، مباحثی مانند طبقه‌بندی سنی، علل جرم، پایگاه اقتصادی خانواده بزه دیده و... در قلمرو این گفتار نبوده‌اند و متغیرهایی مانند سن و یا نوع جرم و متهم به عنوان متغیر اصلی منظور شده‌اند.

تاکنون تعاریف و نظریه های فراوانی درباره کودک آزاری و انواع آن از سوی صاحب نظران مطرح گردیده اند. به دلیل آنکه این مباحث به کرات در کتب و نشریات فارسی زبان آمده اند و در دسترس جویندگان و پژوهندگان قرار دارند و به منظور جلوگیری از تکرار و تطویل کلام از بازگویی آنها در می گذریم و به تعریف چند اصطلاح و مفهوم کلیدی در این مقاله بسنده می کنیم. آزار جنسی و آزار جسمی دارای تعریف کم و بیش رایجی هستند اما یکی از مصادیق آزار جسمی یعنی قتل را در این مقاله به دو دسته تجزیه کرده ایم: قتل با آزار و قتل بدون آزار که به ناچار باید منظور نگارنده از آنها جداگانه تعریف می شد. فلسفه تفکیک یاد شده این است که عنوان کلی قتل ایهام دارد و ممکن است القاء کننده آزار منجر به قتل باشد در حالی که در واقع چنین نبوده و نمی توان همه قتل ها را از یک نوع شناخت. اگر آزار کودکان را به «آزار جسمی، آزار جنسی، آزار عاطفی، آزار کلامی و آزار فکری» (هاشمی ۱۳۸۳) تقسیم کنیم می توان گفت آنچه در مطبوعات منعکس شده اند نوع اول و دوم بوده و سه نوع دیگر در ردیف جرم یا اضرار نسبت به کودک شناخته نشده و در رسانه ها و یا نظام قضایی مطرح نیستند. آنچه در گونه ۹ درباره نظام آموزشی و آزمون غیر دموکراتیک آمده است را می توان تعریف و مصداقی از نوع پنجم (آزار فکری) تلقی کرد. (۵)

کودک آزاری چیست؟

"کودک آزاری" عبارت است از هر گونه فعل یا ترک فعلی که باعث آزار روحی و جسمی و ایجاد آثار ماندگار در وجود یک طفل شود، برخی از این آثار می تواند مخفی باشد. ممانعت از حاضر شدن در کلاس درس، محروم کردن او از غذا، حبس در حمام یا زیر زمین اشکال مخفی کودک آزاری است.

تنبیه بدنی و تجاوز جنسی به کودک هم از انواع آزاری فیزیکی است که علائم آن قادر به ردیابی است.

"کودک آزاری" مربوط به طبقه خاصی نمی‌شود و فقر فرهنگی به اندازه فقر اقتصادی می‌تواند در آن خطر آفرین باشد، به نحوی که مسئله کودک آزاری در بین افراد تحصیلکرده و با بضاعت مالی خوب هم دیده می‌شود.

در این میان باید توجه داشت که "کودک آزاری" با "تنبیه بدنی" متفاوت است. با تنبیه به کودک می‌فهمانند که باید رفتار خود را اصلاح کند؛ اما متاسفانه به علت عدم آگاهی و همچنین نقض قانونی بسیاری از پدران و مادران به بهانه تنبیه کودکان خود را در معرض هر گونه آسیب روحی و روانی قرار می‌دهند. به طور کلی می‌توان کودک آزاری را به سه بخش تقسیم کرد. "کودک آزاری جسمی"، یعنی تنبیه بدنی سخت و محروم کردن کودک از غذا و پوشاک، "کودک آزاری جنسی" یعنی سوء استفاده جنسی توسط اطرافیان و همچنین بی‌توجهی به نیازهای کودکان و آفرینش خلاقیت توسط آنها.

دکتر "منصور ایزدپناه"، روانشناس، در این خصوص می‌گوید: مهمترین عاملی که منجر به کودک آزاری می‌شود فقر اقتصادی و فرهنگی است، ضمن آن که عدم وجود حربه قانونی در این میان نیز بی‌تاثیر نیست، اکثر کودکانی که از این معضل رنج می‌برند در خانواده‌های پرجمعیت فقیر و مهاجر قرار دارند که گاهی پدر یا مادرشان معتاد هستند یا آن که از وجود نامادری یا ناپدری رنج می‌برند، با این وجود مسئله "کودک آزاری" در میان خانواده‌هایی که به ظاهر از هیچکدام از این معضلات رنج نمی‌برند هم دیده می‌شود.

او می‌افزاید: متاسفانه در فرهنگ ما این موضوع که کودکان تا تنبیه بدنی نشوند، بزرگ نمی‌شوند، وجود دارد، بنابراین فرهنگ خشونت در جامعه ما نهادینه شده است، در حالی که تداوم این خشونت‌ها می‌تواند

به ترس، اضطراب و پرخاشگری در کودک، پنهان کاری، شب ادراری، عدم اعتماد به نفس و عدم قدرت ارتباط با دیگران شود، به طوری که اکثر کودکان و نوجوانان بزهکار از خشونت‌های خانگی رنج برده‌اند.

این روانشناس اضافه می‌کند: خشونت فیزیکی تنها یک نوع از خشونت‌ها علیه کودکان است که اگرچه رواج بسیاری دارد؛ اما نباید انواع خشونت‌های کلامی و روحی را نیز نادیده گرفت. تحقیرکردن، سرکوفت زدن، مقایسه نادرست با همسالان، ناسزا گفتن و ... اگر تداوم داشته باشد، می‌تواند جزو انواع کودک آزاری شمرده شود. (۲)

آزار جسمي: Physical child Abuse

در مورد این اصطلاح نیز تعریف واحدی وجود ندارد اما قدر مسلم آن است که ضرب و شتم و کتک و تنبیه فیزیکی شدید و شکنجه و هر گونه عملی که منجر به آسیب دیدگی کودک شود آزار جسمی است. آزار جسمی در اینجا اعم است و یا منجر به قتل می شود یا منجر به قتل نمی شود که در این مقاله فراوانی آنها را به تفکیک ذکر کرده ایم. آزار منجر به قتل یا توسط والدین است که فرزند کشی نامیده می شود و یا توسط دیگران.

قتل با آزار: منظور از قتل با آزار این است که کودک در اثر ضرب و شتم، کتک، تنبیه و یا شکنجه به قتل رسیده باشد.

قتل بدون آزار: منظور از قتل بدون آزار این است که با ضربات چاقو، خفگی و یا آتش زدن کودک جنایت رخ داده است.

تذکر: ۱- بدرفتاری هایی مانند سیلی زدن، زدن روی دست یا باسن کودک یا توبیخ که در برخی جوامع به عنوان میزانی از تنبیه پذیرفته شده است و حتی گفته می شود که اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز روش تربیت را به پدر و مادر واگذار کرده است، از مواردی است که تابع معیارها و ارزش های خانوادگی و اجتماعی بوده و اینکه مصداقی از پایمال کردن حقوق کودک باشد مورد اختلاف است از این رو در مطبوعات ایران گزارش نمی شوند و در این گفتار نیز به شمار نیامده اند. اگر آنرا در ردیف آزارهای جسمی به شمار آوریم نقض حقوق کودک بسیار گسترده و فراگیر خواهد شد.

۲- غفلت یا بی توجهی Neglect که در خانواده های کم درآمد شایع است مانند فراهم نیاموردن نیازهای غذایی، پوشاک مسکن، بهداشت و مراقبت های پزشکی و تحصیلی توسط والدین یا سرپرست طفل (مدنی و همکاران ۱۳۸۲) نیز در این گفتار جزو آزار کودکان به شمار نیامده است و برخی مصداقی دیگر مانند

خیابان خوابی، کار کودک، تکدی گری و نظام آموزشی را که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته‌اند می‌توان شکل ارتقاء یافته برخی غفلت‌ها به جرم یا نقص حقوق کودک دانست.

آزار جنسی

دامنه آزار کودکان بسیار گسترده‌تر از آزارهای جنسی است و شامل آزارهای جسمی و ربایش تهدید کودکان نیز می‌گردد. از ۹۲ مورد آزارهای جسمی که فقط در دو روزنامه به دست آمده‌اند ۶۰ مورد منجر به قتل شده است. که از این تعداد (۶۰ مورد) ۶ کودک توسط پدر کشته شده (۵ پسر و یک نفر با جنسیت نامشخص) و یک نفر توسط مادر و یک تن توسط نامادری. کودکان آزار دیده جسمی که تا حد مرگ پیش نرفته‌اند ۴۷ نفر هستند. ۱۳ نفر پسر و ۱۳ نفر دختر بوده و جنسیت ۲۱ تن دیگر در منبع مشخص نیست. از این ۴۷ نفر ۵ مورد توسط پدر، یکی توسط ناپدری او و یکی توسط مادر و دو نفر دیگر توسط نامادری آزار دیده‌اند. از ۳۲۴ مورد بند آخر جدول نیز ۳۰۴ مورد به منظور ربودن طلای دختران توسط یک زوج بزهکار و بقیه برای اخاذی و غیره بوده‌است. یک گزارش از سوی انجمن حمایت از حقوق کودکان، اقسام کودک آزاری در سه ماهه اول سال ۸۳ را چنین برمی‌شمارد: «در طول فصل بهار ۳۷ مورد کودک آزاری به انجمن حمایت از حقوق کودکان گزارش شده که توسط کمیته مددکاری مورد پی‌گیری قرار گرفته است. ۵۴ درصد از کودکان آزار دیده دختر و بقیه پسر هستند. پدران با ۵۴ درصد بیشترین درصد کودک آزاری را به خود اختصاص داده‌اند و نامادری با ۱۳/۵ درصد در مرتبه دوم آزاررسانان به کودکان قرار دارند. مادران با ۱۰/۸ درصد، معلم و مدیر مدرسه با ۱۰/۸، ناپدری پدر و نامادری با هم، هر کدام با ۵/۴ درصد در مرتبه بعدی قرار دارند.

بیشترین نوع کودک آزاری، جسمی یا فیزیکی با ۶۷/۶ درصد است. کتک زدن با دست، سوزاندن با قاشق داغ، کشیدن گوش و موی سر کودک، گذاشتن فلفل در دهان کودک و... از اشکال مختلف کودک آزاری

جسمي است که به دفتر انجمن گزارش شده است. آزار روجي و عاطفي با ۴/۸۲ درصد در مرتبه دوم نوع كودك قرار دارد که شامل تحقير ، توهين، اخراج از خانه، ممانعت از تحصيل، وادار کردن كودك به تكدي گري، غذا ندادن و... مي باشد. آزار جنسي با ۴ درصد در مرتبه سوم كودك آزاري قرار دارد.» (فتحي ۱۳۸۳) در بند سوم ماده ۲۶ اعلاميه جهاني حقوق بشر آمده است: «پدر و مادر براي تعيين نوع تعليم و تربيت فرزند خود اولويت دارند» بنابراین چگونگي تعليم و تربيت فرزند به عهده پدر و مادر و حق آنهاست اما آن نوع تنبيهاتي که منجر به صدمات جسمي و روجي به فرزند مي شود با حق كودكان در تعارض قرار مي گيرد. (۵)

همچنين از ۲۲۰ مورد آزار جنسي سه مورد توسط پدر رخ داده که يك دختر و دو نفر پسر بوده اند. از اين ۲۲۰ مورد ۲۷ مورد آن منجر به قتل كودكان شده است که ۲۰ نفر آن مربوط به فاجعه پاكديشت است. كليه سوء استفاده هاي جنسي از كودكان را نمي توان مصداق جرم تلقي كرد. بخشي از آن جرم و بخشي ديگر مشمول فساد است زيرا در موارد دي که كودكان و نوجوانان نسبت به رابطه جنسي رضاييت دارند و زور و اكراه در كار نيست و يا در موارد دي که اين رابطه ها توسط خود كودكان و همسالان برقرار مي شود بيش و بيش از آنکه ذيل عنوان جرم قرار گيرد بيانگر نوعي فساد است. در اين مقاله از آنجا که دسترسي به اخبار و آمار واقعي وجود ندارد و به گزارش هاي مکتوب در مطبوعات مراجعه شده و امکان انتخاب خبر براي نگارنده وجود داشته است ، فقط موارد دي که مصداق جرم بوده و به عبارت ديگر يك طرف بدون رضاييت و طرف ديگر با استفاده از زور يا اغفال مبادرت به سوء استفاده جنسي کرده است ذکر شده اند.

رضاييت فرد (كودك) در رابطه جنسي

در برخي از كشورها، بويژه كشورهاي اروپايي و كانادا، رضاييت كودك، عامل مهم و تعيين كننده اي براي تشخيص آزار جنسي يا سوء استفاده جنسي است و در كشورهاي مختلف که اين مكانيسم پذيرفته شده

است، سنین مختلفی تعیین شده است. در کانادا، اگر کودک زیر سن دوازده سال باشد، ارتکاب این اعمال از سوی وی یک اختلال رفتاری محسوب می‌گردد ولی پس از دوازده سال تا هجده سال، به عنوان یک جرم با آن برخورد می‌شود.

اما در قوانین کیفری و جزایی ایران، اساساً بحث رضایت فرد به طور کلی در رابطه جنسی نامشروع مطرح نیست و به طریق اولی، رضایت کودک نیز به هیچ وجه تاثیری در مساله نخواهد داشت، در این مورد در بندهای جداگانه‌ای، جرایم و اعمال منافی عفت، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

اگر این گزارش را بپذیریم که «هر شب چهار هزار دختر در خیابانهای پایتخت شب را به صبح می‌رسانند که بسیاری از آنان مورد خشونت و آزار جنسی قرار می‌گیرند و این تعداد، ارقامی است که از سوی مراجع رسمی اعلام شده» (اقلیمی، ۱۳۸۳) می‌توان ابعاد آزار جنسی پنهان را بسیار وسیعتر از این دانست.

● ویژگی‌های اصلی کودک‌آزاری جنسی

کودک‌آزاری جنسی، چه به صورت مداوم باشد و یا فقط یک بار صورت گرفته شود و خواه توسط افراد خانواده و نزدیکان و خواه توسط افراد بیگانه انجام شده باشد، معمولاً دارای پنج شاخصه و ویژگی اصلی است:

(۱) کودک، عموماً آن را دوست ندارد

(۲) ارضای جنسی فرد آزاردهنده هدف اصلی آزار است

(۳) در این رابطه یک تفاوت سنی و قدرتی وجود دارد که به طور موثری، رضایت معنادار از رابطه را از بین می‌برد

(۴) فعالیت جنسی معمولاً به صورت پنهان و همراه با نقشه و توطئه قبلی و اعمال زور از جانب فرد قدرتمند است

(۵) گاهی اوقات، کودک به جهت نیاز شدید به حمایت فیزیکی یا عاطفی و توجه و وابستگی، خود شخصاً به پذیرش و شروع این رابطه و یا حفظ رابطه جنسی، تمایل نشان می‌دهد.

● مشکلات اجتماعی و فرهنگی مربوط به طرح بحث کودک‌آزاری جنسی

اگر موضوع کودک‌آزاری جنسی کودکان تاکنون کمتر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است، نه به خاطر کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت بودن موضوع، و نه به جهت قَلت موارد اتفاق افتاده کودک‌آزاری جنسی است، بلکه

این موارد، کراراً واقع می‌شود و به دلیل پنهان ماندن ضمانت اجرای موثر و کافی برای مجازات و تنبیه مرتکبان وجود ندارد.

عدم طرح و پرداخت به این معضل بزرگ فرهنگی و اجتماعی، بدین خاطر است که از نظر سنتی و فرهنگی، این موضوع به صورت یک «تابو» به شمار می‌رود و تمایلی به صحبت درباره‌اش وجود ندارد و دیگر آنکه جرم کودک‌آزاری و به ویژه کودک‌آزاری جنسی، یک جرم نسبتاً پنهان است و حتی به مرتکبان و مجرمان این جرم نیز، از آنجا که در میان جمعیت پنهان هستند، جمعیت پنهان گفته می‌شود. همچنین به این دلیل که آمار دقیقی در مورد این جرم، به دلایل مختلف، ارایه نمی‌شود و به اصطلاح آمار سیاه بزهکاری یا لیست سیاه وجود دارد، در خیلی از موارد، این جرم پنهان باقی می‌ماند. (۳)

● تفاوت سوءاستفاده جنسی از کودک با آزار جنسی او

این دو عبارت در متون حقوقی انگلیسی، زیاد به کار رفته‌اند اما از لحاظ تعریف، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و تفاوت آنها بیشتر در مراجع درمانی یا قانونی است که به آن مراجعه می‌کنند.

همه اعمالی که به عنوان سوءاستفاده جنسی به کار می‌رود، مسلماً آزار جنسی و آزارهای عاطفی و روانی نیز به دنبال خواهد داشت و امکان ندارد که کودکی مورد سوءاستفاده جسمی قرار گرفته باشد ولی آزار جسمی و یا روانی را تجربه نکرده باشد.

یک تفاوت که در مورد این دو واژه می‌توان اشاره کرد آن است که محققان و روان‌شناسان معتقدند زمانی که یک شخص خاص در طول مدت زمان معین، یک فرد خاص را مورد آزار جنسی قرار دهد، سوءاستفاده جنسی (Abuse) واقع شده است. بنابراین در سوءاستفاده جنسی، شخص آزاردهنده و کودک مورد آزار جنسی، یک فرد ثابت هستند و این آزار جنسی در طول مدت زمان تکرار می‌گردد. (۳)

۱- تجارت کودکان

این پدیده بسیار شایع است اما به ندرت خبری درباره انتشار می‌یابد. در یک سال گذشته به جز یک مورد خبری در مطبوعات منتشر نشده است اما در آخرین هفته بهمن ماه ۱۳۷۹ (اواسط فوریه ۲۰۰۱) مطبوعات از قول رئیس دادگستری تهران اعلام کردند (همشهری. ۱۳۷۹) رئیس دادگاه انقلاب کرج به جرم فساد بازداشت شده است. آنها در پوشش خانه هدایت اسلامی مرکزی را برای نگهداری دختران زیر ۱۸ سال فراری از خانه تشکیل داده بودند و دختران جوان را علاوه بر سوء استفاده جنسی به کویت و دبی فرستاده و آنان را به شیوخ و ثروتمندان عرب می‌فروختند. هر چند تا زمانیکه اتهام شخصی در دادگاه صالح به اثبات نرسیده نمی‌توان ادعاهای مطرح شده درباره او را پذیرفت اما از آنجا که منبع خبر، خود قوه قضائیه بوده است، خبر در خور توجه می‌نماید. همچنین خبرهایی از فروش کودکان در منطقه سیستان و بلوچستان منتشر شده‌اند اما به دلیل پنهانکاری قاچاقچیان انسان اطلاعات و آمار روشنی در این زمینه در دست نیست.

۲- ربایش کودکان:

طبق جدول ۶ تعداد ربایش کودکان اعم از ربایش منجر به قتل یا ربایش بدون قتل یا ربایش با آزار و بدون آزار ۱۳۸ مورد بوده که در جدول شماره ۵ نیز آمده است. اکثریت این قربانیان را دختران تشکیل داده‌اند. اگر آمار ۲۶ قربانی پاکدشت را که ربوده شدند و مورد آزار جنسی قرار گرفتند و ۲۰ تن از آنها به قتل رسیدند نیز جزو ربوده شدگان به شمار آوریم به ۱۵۸ مورد خواهد رسید. ربایش بدون آزار فراوانی کمتری نسبت به دو نوع دیگر از ربایش‌ها دارد و معمولاً به منظور اخاذی یا انتقام‌گیری و یا کنجکاو و تفریح و سرقت جواهرات دختران بوده‌است. داده‌های جدول ۶ در زمینه ربایش به صورت

زیر تفکیک شده‌اند. از میان ۱۳۸ مورد ربایش ۹ مورد منجر به قتل شده و بجز ۱۰ مورد که آزاری رخ نداده و فقط به قصد اخاذی با سرقت جواهرات کودکان بوده بقیه به منظور آزار جسمی یا جنسی بوده‌اند.

۳- تکدی گری

سوء استفاده از کودکان برای تکدی از پدیده‌های زشت و ناهنجار اجتماعی است، با وجود آنکه در ماده ۷۱۳ ق. م. ا. استفاده از اطفال برای تکدی گری جرم محسوب شده است اما در شهرهای بزرگ می‌توان نمونه‌های بسیاری را مشاهده کرد که کودکان در چهارراه‌ها یا خیابان‌ها گدایی می‌کنند و یا زنان و مردان متکدی که برای جلب ترحم مردم کودکانی را با خود همراه کرده‌اند. کودکانی که در تمام روزهای عمر خویش وسیله کسب و تجارت پست بزرگترها شده‌اند و از زندگی کودکانه و بازی و تفریح و تحصیل و تربیت و تغذیه مناسب محروم هستند چه بسا برخی از آنان کودکان ربوده‌شده‌ای هستند که در خدمت اهداف پلید تکدی گری قرار می‌گیرند. چنانکه در داده‌های خام جدول شماره ۶ خیر دو مورد آن آمده است. اما در مواردی که والدین از کودکان برای تکدی گری استفاده می‌کنند، به خاطر حق و ولایتی که قانون برای والدین نسبت به فرزند قرار داده است، مقابله با این پدیده به لحاظ قانونی دشوار است

۴ - کار کودکان

ایران در سال ۱۳۸۰ مقاله‌نامه مربوط به محو بدترین اشکال کار کودک را امضاء کرده و ملزم به اجرای آن است. طبق این مقاله‌نامه کار کودکان زیر ۵ سال ممنوع است اما آمار روشنی از کودکان شاغل در کارگاهها در ایران وجود ندارد.

در گذشته، کارگاههایی که زیر ۱۰ نفر در آن شاغل بودند مورد بازرسی منظم قرار نمی گرفتند و در صورت بازرسی، کارفرمایان به دلیل اینکه از قبل نسبت به زمان بازرسی اطلاع می یافتند کودکانی که بکارگیری آنها غیر قانونی بود را پنهان و یا از محیط کار خارج می کردند اما با تصویب ممنوعیت بازرسی از کارگاههایی زیر ۱۰ نفر در نیمه اول مهره ماه ۱۳۸۳ (در آستانه روز جهانی کودک) همین بازرسی های ادواری و غیر موثر هم منتفی شد و دست کسانی که کودکان را در مشاغل به کار می گیرند بازتر کرد.

در مناطق روستایی ایران کار کودک به عنوان فرزند خانواده و یکی از عوامل اقتصادی خانوار شیوع دارد و در موارد زیادی سبب محرومیت کودکان از تحصیل می شود اما به دلیل اینکه کودک جزو نان آوران خانواده به شمار می آید این کار صورتی موجه به خود گرفته است.

یکی از مهمترین موارد کار کودکان که در چند سال اخیر گسترش قابل ملاحظه ای داشته است درگیری کودکان در مشاغل کاذب است که نه تنها خطرهای آسیب های کار کودک را در بردارد بلکه از تامین های اندک کارگاهها نیز محروم بوده و در معرض خطرات بیشماری قرار دارند. دستفروشی کودکان که در خیابان ها و به ویژه چهار راه ها به وفور دیده می شود مصداق بارز آن است ولی خطرناک تر از آن تعداد فراوان کودکانی است که در مبادی ورودی و خروجی شهرها مانند تهران، کرج، قزوین به دستفروشی مشغول هستند و به محض توقف اتومبیل ها به سوی آنها می روند

تا قرعه خرید به نام یکی از آنان بیفتد. خطر سانحه تصادف و یا افتادن در دام سوء استفاده گران برای این کودکان بسیار زیاد است. حتی در ایام سال تحصیلی هم می توان تعداد قابل توجهی از این کودکان را دید. پرسه زدن در کوچه های شهر با سازهایی چون فلوت، تنبک، آکاردئون و آوازخوانی برای کسب پاداش نمونه دیگری از این مشاغل کاذب است. مجموع اینها سیمای شهر را آزاردهنده و رقت بار می کند

خصوصاً که سبب عادی شدن و بی تفاوتی جامعه نسبت به وضعیت خیل این کودکان معصوم و قربانی می‌شود.

فرزندان زندانیان: این مشکل که در قوانین ایران بیش از سیصد عنوان مجرمانه وجود دارد که بخش مهمی از آن در بسیاری از کشورهای دیگر جرم محسوب نمی‌شود سبب آمار بالای زندانیان شده است. در موارد زیادی مشاهده شده است که به دلیل زندانی شدن نان‌آور خانواده، کودکان، مجبور به کارکردن و ترک تحصیل شده‌اند تا جلوی درماندگی یا فساد در کانون خانواده گرفته شود. در اوایل سال ۱۳۷۹ در زندان اوین یک زندانی در ملاقات با همسر و فرزندانش متوجه شد که پسر ۱۴ ساله او درس را رها کرده و برای کمک به خانواده مجبور به کارکردن شده است. احساس تحقیر و اندوه پدر سبب شد تعادل خود را از دست داده و پس از بازگشت به داخل بند در داخل حمام خودکشی کند.

۴. قاچاق کودکان

قاچاق کودکان، به اشکال و انحاء مختلف ممکن است صورت پذیرد. گاهی اطفال تحت عنوان فرزند خواندگی مبادله می‌شوند و تحت این عنوان، از آنها سوءاستفاده شده و آزارهای بسیاری نسبت به کودکان اعمال می‌شود. کنوانسیون استکهلم مصوب ۱۹۹۶ در خصوص حمایت از کودکان و همکاری در مورد فرزندخواندگی با هدف ممانعت و پیشگیری از قاچاق کودکان، تنظیم شده است.

کنوانسیون‌های متعدد سازمان ملل متحد در مورد جرایم سازمان یافته فرامرزی و به خصوص کنوانسیون سال ۲۰۰۰ و پروتکل اختیاری آن برای منع سرکوب و مجازات قاچاق افراد به ویژه زنان و کودکان و اعلامیه‌های متعدد در این زمینه، مساله کودک‌آزاری و قاچاق کودکان را، به شدت ممنوع اعلام کرده است.

کنگره جهانی استکهلم ۱۹۹۶ علیه تجارت و خرید و فروش و قاچاق کودکان برای استثمار و سوءاستفاده جنسی آنها، در بیانیه خود خطاب به دولت‌ها، بر لزوم همکاری‌های قوی‌تر، میان دولت‌ها و اختصاص اولویت زیاد به مبارزه با قاچاق اطفال به قصد استثمار جنسی آنها، تاکید کرد.

در قوانین کیفری ایران، متأسفانه در این مورد نیز جرم‌انگاری خاصی انجام نشده است و قانون و مقررات جداگانه‌ای برای ممنوعیت قاچاق اطفال وجود ندارد. این امر، در حالی است که کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، با تاکید بر لزوم قانونگزاری خاص در این خصوص، از تمام دولت‌ها خواسته است که در قوانین کیفری خود، استثمار جنسی و فحشاء و قاچاق کودکان را به عنوان جرایمی مهم و با حداکثر مجازات، برای مرتکبان، پیش‌بینی کنند و اطفال را، بدین وسیله مورد حمایت کیفری بیشتر قرار دهند. (۴)

۵. هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) نسبت به کودکان

هرزه‌نگاری و انتشار صور قبیحه، خواه در مورد بزرگسالان و خواه کودکان از طریق کتب، مجلات، دیسکت‌های کامپیوتری و اینترنت وجود دارد.

کمیته حقوق کودک در سال ۱۹۹۳ یک گزارش حاوی توضیحاتی درباره سوءاستفاده جنسی، منتشر کرد و در آن اعلام داشت که فحشای کودکان باید به عنوان جرمی سنگین شناخته شود و واسطه‌ها، شرکا و مشتریان، باید به مجازات برسند، پورنوگرافی باید ممنوع شود و مرتکبان آن به اشد مجازات محکوم گردند.

در قوانین کیفری ایران، تنها در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (در فصل هجدهم تحت عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی) به طور کلی و عام مقرر شده است که: «هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار، سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند، برای تجارت و توزیع...» نگهدارد و «به حبس از سه ماه تا یک سال و

جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور، محکوم خواهد شد».

در این ماده قانونی، هیچ اشاره و تاکید خاصی نسبت به کودکان در جهت حمایت بیشتر از آنها، به عمل نیامده است و به نظر می‌رسد که قانونگذار کیفری، باید با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر اطفال، طفل بودن

۶. توریسم جنسی یا گردشگری جنسی

توریسم جنسی، که در قوانین کیفری بسیاری از کشورها و معاهدات بین‌المللی، به آن توجه شده، در قوانین جزایی ایران مورد غفلت قرار گرفته و به طور مجزا و خاص، درخصوص آن جرم‌انگاری صورت پذیرفته است. لیکن در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱: «هرگونه بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور اعمال خلاف...» را جرم اعلام کرده است که با این جرم‌انگاری، گام بسیار مهمی در راستای پیشگیری از بزهدیدگی جنسی و سوءاستفاده از کودکان در این گونه فعالیت‌های مجرمانه جنسی برداشته شده است.

در هر حال، گردشگری جنسی، پورنوگرافی، بردگی جنسی و دیگر جرایم سازمان یافته که در عرصه بین‌المللی وجود دارد و ممنوعیت آنها مورد تاکید کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفته است، نیازمند همکاری بیشتر دولت‌ها با یکدیگر، برای مبارزه با این پدیده‌های شوم و غیرانسانی و اقدام مثبت دولت‌ها در جهت تدوین و وضع قوانینی موثر و اتخاذ تدابیر و ضمانت‌های اجرایی و ایجاد نهادهای نظارتی می‌باشد.

پیمان نامه جهانی حقوق کودک

ایران اسفند ماه ۱۳۷۲ پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفت، یکی از شرایط اساسی اجرای درست این پیمان نامه، آشنایی همه افراد جامعه به ویژه مقامات مربوط به امور کودکان، والدین، سرپرستان کودک و البته خود او با این پیمان نامه است.

بر اساس ماده ۳ پیمان نامه جهانی کودک منافع عالی کودک باید در هر اقدامی از سوی سرپرستان و والدین مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این ماده، دولت‌ها نیز موظف شده‌اند در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندان، حمایتها و مراقبتهای لازم را از آنان انجام دهند.

بر اساس ماده ۱۹ این پیمان نامه کشورهای عضو برای حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی هر گونه آزار، بی توجهی و سهلانگاری باید اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند.

دولتهای امضا کننده پیمان نامه جهانی حقوق کودک موظف شده‌اند که اقدامات لازم برای محافظت از کودکان در برابر استفاده غیر مجاز از مواد مخدر، داروهای روانگردان و قاچاق این مواد را انجام دهند.

از سوی دیگر ماده ۳۷ این پیمان نامه به صراحت می‌گوید: هیچ کودکی نباید مورد شکنجه، رفتار ستمگرانه و بازداشت غیر قانونی قرار گیرد و مجازات اعدام و حبس ابد در مورد خلافکاری‌های کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است.

بیش از یک دهه از پیوستن ایران به این پیمان نامه جهانی می‌گذرد، اما متأسفانه هر روز شاهد افزایش مشکلاتی چون کار اجباری کودکان، کودک آزاری، سوء استفاده‌های جنسی، قاچاق اعضا و ... هستیم. (۲)

قوانین حقوقی

بسیاری از جامعه شناسان و حقوقدانان، "نقض قوانین" را مهمترین عاملی می‌دانند که باعث افزایش و عدم مهار کودک آزاری در ایران است.

مریم توکلی حقوقدان در این باره می‌گوید: خشونت در ایران تا حدود زیادی نهادینه شده است؛ اما در این میان کودکان و زنان از آسیب‌های اجتماعی بیشتری رنج می‌برند که نیاز به حمایت‌ها و اهرم‌های قانونی دارد، همین مسئله که در هنگام آسیب رساندن به یک زن یا کودک باید تنها نیمی از دیه کامل یک انسان پرداخت شود، علاوه بر آن که می‌تواند از لحاظ روحی به این قشر صدمه وارد کند باعث به وجود آمدن نوعی حمایت قانونی نا آگاهانه می‌شود.

وی می‌افزاید: از طرف دیگر در قانون به صراحت عنوان شده است که اقدامات والدین و سرپرستان که موجب تادیب یا حقارت آنان شود مشروط بر این که در حد متعارف باشد ایرادی ندارد، در حالی که این حد متعارف مشخص نشده است. وی ادامه می‌دهد: برای رفع این مشکل نیاز به حمایت جدی دستگاه‌های قانونی و اجتماعی است که نقض‌های قانون را شناخته، اصلاح و قوانین جایگزین را وضع کنند.

وی ادامه می‌دهد: اما مهمترین حربه‌ای که می‌تواند جلو "کودک آزاری" را در جامعه ما بگیرد افزایش مجازات‌ها در برابر چنین تخلفاتی است؛ زیرا عده‌ای تنبیه کودک را حق طبیعی خود می‌دانند، بنابراین ضمن آگاهی دادن خانواده‌ها باید با حربه‌های قانونی نیز از این موضوع بهره بگیریم، زیرا قانونی که به پدر اجازه می‌دهد در صورت قتل فرزندش بر طبق قانون ۲۲۰ تبرئه شود، هیچ کارکردی مثبتی نمی‌تواند داشته باشد.

در ماده ۲۲۰ قوانین کیفری آمده است که اگر پدری فرزند خود را به قتل برساند از مجازات معاف است، ولی اگر مادری فرزندش را به قتل برساند اعدام می‌شود."

همچنین ماده ۶۳۱، ۶۳۲ و ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی به صراحت تشریح می‌کند که اگر طفلی دزدیده و به فرد دیگری تحویل داده شود. فردی که طفل را ربوده به ۳ ماه تا دو سال حبس و استرداد اموالی که از طریق او به دست آورده است محکوم خواهد شد. همچنین به صد تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی نیز محکوم خواهد شد.

در صورت تجاوز جنسی به کودک نیز فرد متجاوز اعدام خواهد شد و تجاوز شونده در صورت اکراه به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. (۲)

چالش‌های قانونی کودک‌آزاری جنسی در ایران

به طور کلی، هرگونه آسیب جسمی یا روحی و روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر هجده سال توسط افراد دیگر و به صورتی که تصادفی نباشد، کودک‌آزاری تلقی می‌شود.

در تعریف فوق، اگرچه تلاش شده است تا همه وجوه و ابعاد آزار کودکان را دربرگیرد، اما در هر حال، بسیاری از مفاهیم مندرج در آن، ممکن است در بین صاحب‌نظران اختلاف برانگیز باشد.

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) کودک‌آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید به سلامت جسم یا روان و سعادت و رفاه و بهزیستی کودک، به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسوول هستند.

اما در مورد تعریف کودک‌آزاری جنسی که موضوع اصلی این مقاله است، به تعریف ذیل اشاره می‌گردد:

منظور از آزار جنسی کودک، وادار کردن کودک به فعالیت‌هایی است که منجر به ارضای جنسی افراد بزرگسال می‌شود. سوءاستفاده جنسی، تماس‌ها یا تعاملات بین کودک و فرد بالغی است که کودک را به منظور تحریک جنسی، مورد سوءاستفاده قرار داده است.

آزار جنسی، معمولاً توسط افراد خانواده و نزدیکان و آشنایان و به ندرت توسط افراد بیگانه صورت می‌پذیرد. مطالعات نشان داده است که در اکثر موارد، آزار دهندگان کودک، والدین وی و ناپدری و یا نامادری او هستند. مواردی که شامل بیگانگان می‌شود، درصد کوچکی از کل موارد را دربرمی‌گیرد. همچنین مطالعات نشان داده است که در بیشتر آزارهای جنسی کودکان که توسط پدر اعمال شده است، کودک قربانی، دختر بوده است. (۴)

خلاء قانونی و کیفری کودک آزاری در ایران

پس از انقلاب اسلامی، با تصویب قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱/۶/۳ کلیه مواد قانون مجازات عمومی سابق که راجع به جرایم هتک ناموس و منافی عفت بود، نسخ گردید و مقررات کیفری مطابق شرع اسلام به مرحله اجرا گذاشته شد و علاوه بر آن، مصادیق دیگری از جرایم منافی عفت، غیر از زنا، مانند تقبیل و مضاجعه، تفخیز و مساحقه نیز مورد حکم قرار گرفت.

ولی قانونگذار، بلوغ یا صغر سن مجنی علیه را که سابقاً موجب تفاوت در مجازات می‌شد، نادیده گرفت و از این حیث همه را یکسان قلمداد کرد. همینطور، در قوانین کیفری ایران، اعمالی نظیر هرزه‌نگاری کودکان (پورنوگرافی) و بهره‌گیری از آنها مورد غفلت قرار گرفته است.

درخصوص هر یک از موارد مهمی که نسبت به کودکان مورد غفلت قانونی واقع شده و حمایت خاص کیفری از آن به عمل نیامده است، در ذیل به تفصیل سخن خواهیم گفت.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، در قوانین کیفری ایران، قانون خاصی درباره کودک آزاری وجود ندارد و متأسفانه در این مورد جرم‌انگاری خاص نشده است و همانطور که ملاحظه و بررسی شده، حتی در برخی مواد قانونی، زمانی که بزه دیده، طفل باشد، حمایت کیفری کمتری نیز از وی مطرح شده است.

این امر، در حالی است که کنوانسیون حقوق کودک، که ایران نیز به آن ملحق شده است و در کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط دیگر، بر لزوم جرم‌انگاری خاص در خصوص کودک‌آزاری تأکید شده است.

علی‌رغم آنکه کودک‌آزاری‌ها اعم از جسمی و روحی و جنسی، در داخل خانواده‌ها و توسط نزدیک‌ترین افراد به کودک انجام می‌شود، با کمال تأسف هنوز هیچ قانون خاصی برای حمایت از کودکان در مقابل خشونت‌های خانگی تصویب نشده است و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذرماه ۱۳۸۱ نیز، والدین را در مورد این گونه جرایم از تعقیب و مجازات معاف دانسته است. همچنین، هیچ نهاد یا سازمانی که مسوولیت حمایت از کودکان آسیب‌دیده یا نظارت بر این امر را برعهده گیرد، وجود ندارد و کودکان، علی‌رغم هیچ گونه تامینی، مجدداً به داخل همان خانواده و نزدیکانی باز خواهند گشت که آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند!

به هر حال، جرم‌انگاری خاص در مورد برخی رفتارها و جرایمی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابد و تشدید کیفر مرتکبان این گونه جرایم، دو راهکار و مکانیسم درخور پیش‌بینی، در حقوق جزا، برای حمایت کیفری بیشتر از اطفال است. همچنین اصلاح بعضی از قوانین کیفری مثل ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی که خود به نوعی خشونت قانونی علیه کودکان به شمار می‌رود، ضروری می‌نماید تا احتمال سوءاستفاده از این ماده قانونی، توسط برخی والدین متعرض به کودک، منتفی گردد.

ایجاد معاضدت‌های قضایی و حقوقی برای کودکان، تعیین وکیل تسخیری برای ایشان در موارد لزوم، تسریع در رسیدگی و رسیدگی فوری و خارج از نوبت به جرایم علیه اطفال، انجام مراحل دادرسی و تشریفات آن به زبان ساده و توضیح آن برای اطفال به نوعی که برای آنها قابل درک و فهم باشد، توجه به منافع عالی‌ه کودکان در هنگام صدور حکم توسط قضات و در نظر گرفتن مصلحت کودک در حکم صادره، به عنوان معیار و ملاک اصلی صدور حکم، جبران خسارت مادی و معنوی طفل بزه دیده، باید هدف اصلی دستگاه قضایی باشد و تاسیس نهادها و موسسات خاص در این زمینه، اجباری کردن گزارش دهی در مورد کودک‌آزاری برای تمام افراد و موسسات و مراکزی که به هر نحو، از این موضوع اطلاع می‌یابند، نه فقط برای افراد و موسساتی که نگهداری از کودکان را برعهده دارند (آن گونه که در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذرماه ۱۳۸۱ مطرح شده است)، آموزش دادن به کودکان و آشنا کردن آنها با این گونه آزارهای جنسی و تاکید به آنها نسبت به این امر که این آزارها را تحمل نکنند و در مقابل آن اعتراض و شکایت کنند، و همچنین انجام تحقیقات و بررسی‌های لازم برای ریشه‌یابی کودک‌آزاری و شناخت زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن و ارایه آمار دقیق و صحیح در این موارد، برای کمک به کاهش و پیشگیری از این جرایم، همگی از راهکارهایی می‌باشند که می‌توانند در جهت از میان بردن و یا حداقل، کاهش این پدیده و معضل شوم اجتماعی، نقش موثری ایفا کنند. (۳)

کتاب دوران کودکی ، نوشته جنکس کریس ، ترجمه علی طایفی

1. sociologyofiran.com

کودک آزاری چیست ؟ روزنامه هموطن سلام ۸۴/۰۴/۲۸

2. bashgah.net

بررسی چالشهای قانونی کودک آزاری جنسی در ایران ، دکتر رضا قراچورلو

3. mhassani.mihanblog.com

مجله ویستا ، ایرانیان انگلستان ۲۰۰۷/۱۰/۱۷

4. vista.ir

مقاله گونه شناسی حقوق پایمال شده کودکان در ایران ، نوشته عماد الدین باقی

5. sociologyofiran.com